

به دنبال بوی سیب

رضا حبیب پور



www.ketab.ir



حبیبپور، رضا، ۱۳۷۱-	سرشناسه
به دنبال بوی سیب/ نویسنده رضا حبیبپور.	عنوان و نام پدیدآور
تبریز: انتشارات گل همیشه بهار، ۱۴۰۱.	مشخصات نشر
۱۹۱ ص.: مصور (رنگی).: ۲۱×۱۴ سم.	مشخصات ظاهری
۱۰۰۰۰۰۰ ریال 3-14-5836-622-978:	شابک
قیفا	وضعیت فهرست نویسی
حبیبپور، رضا، ۱۳۷۱- - خاطرات	موضوع
اسماعیلی، علی، ۱۴۷۰-۱۴۰۰.	موضوع
CT1888	زده بندی کنگره
۹۲۰/۰۵۵	زده بندی دیویی
۹۰۳۱۸۷۰	شماره کتابشناسی ملی
قیفا	اطلاعات رکورد کتابشناسی

www.ketab.ir

عنوان: به دنبال بوی سیب
نویسنده: رضا حبیب پور
قطع و صفحه: ۱۹۱ ص رقی
تیراژ: ۵۰۰ جلد
نوبت و محل چاپ: اول- تبریز ۱۴۰۱
ناشر: گل همیشه بهار
شابک: ۳-۱۴-۵۸۳۶-۶۲۲-۹۷۸
قیمت ۱۰۰ هزار تومان

« مقدمه »

در نظر بازی ما بی خبران حیرانند...

شکر خدای را، که برادری خارق العاده صاحب مکتب و تفکری ناب بنام کربلایی علی اسماعیلی را بر پیشانی مان نوشته بود..

تا حرکت های ماندگاری را در کنار هم عاشقانه رقم زده و به یادگار گذاشته باشیم، رفیق گریه ها و حق های شبانه و عاشقانه های هم بر مزار عشق در خون خفته شویم و سر بر شانه های هم نهیم..

و با حضرت دوست راز و نیاز کنیم... و عهد برادری مان در دو عالم را نیز داشته باشیم. با مرد تمام عیاری که مرگ را به سُخره گرفته بود..

ما در آن دوران ماندگار، به ماهیت روح بلند و ملکوتی دوست و پاره تنمان در زمان حیات پر برکش پی برده و همیشه از بودنش شکرگذار خالق یکتا بوده ایم و خواهیم بود..

سنگینی وجود آن جوان عارف و عاشق و سرتا پا پر از شور و شوق، در دنیای هوسرانی ها و خوشگذرانی ها بر همگان پوشیده بود

کسی که گمنام زیست و مجاهدانه چه کارها که انجام نداد...!

اما دیگر، پرده بر خواهیم داشت تا همگان بدانند با چه مردانی در این شهر زیسته اند! چرا که شناخت ما از این رفیق ماورایی و آسمانی، مسئولیتمان را سنگین و سنگین تر کرده است و این ندای برخاسته از درد عاشقی در این کتاب کمترین ادای دین ما بر این بزرگمرد تکرار نشدنی خواهد بود. عارف و عاشقی که ما را نیز عارف و عاشق تر میکرد، و در سکوت شب ها در کنار مزار عاشق در خون خفته و شهید عزیزمان، و الگوی جوانی مان...

شهیدظهرعاشورا کربلایی وحیدنومی گلزار، عاشقانه و بی قرارانه اشک می ریخت و سر بر شانه هایمان در آن سکوت شب و نسیم دل انگیز گذاشته و می گفت:

— ما یک روح در کالبد سه جسم قرار داریم.. و برادری مان در دو عالم ادامه دار و عهدمان نیز، بر شفاعت یکدیگر منجر خواهد شد..
بدانید و یقین داشته باشید که حتی مرگ یکی از ما نیز، نخواهد توانست بین ما جدایی بی افکند، و زمان هیچوقت ما را با خود نخواهد برد و این ماییم که در زمان خواهیم ماند..

اما با تمام این حرف‌های آسمانی‌اش، وصالش در اوج کمال و تواضعش، برای ما در عین شوک روحی و عصبی..

اما باورانه بود چرا که اینبار بعد از عمری رفاقت، نوبت رحلت او نزد خداوند، و بر رسیدن او به آرزوی دیرینه‌اش همان مردان میدان یعنی شهیدان شده بود. مشیت و اراده الهی مقرر بر نبود فیزیکی یکی از آن سه جسم عاشق قرار گرفته بود تا ادامه حیات پر برکت این سبک بال عاشق، بنا به عارف بودنش چنین باشد و یدِ قدرتش بیضا تر..!

ما میدانیم که آن مرد همیشه زنده، برادرِم کربلایی علی اسماعیلی بی شک دیگر حضور فیزیکی اش را دیگر نخواهد داشت.. اما راه او.. هدایت و درایت او، از همه مهم تر، تفکر او تا ابد باقی خواهد ماند... که هدف از نوشتن این کتاب نیز، اشاره به مسلک علی میباشد که همیشه ورد زبانش بود و همانا میگفت:

بگذارید در مقابل نامهربانی‌ها مهربانی کنیم
که مسلک ما مسلک شهیدان است..!

و هی تکرار میکرد..

«ما زنده به آنیم که آرام نگیریم..

موجیم که آسودگی ما عدم ماست...»